



مدیریت و رهبری مبتنی بر شایسته‌سالاری از دیدگاه امام خمینی (ره)

اسدالله احمدی^۱

دریافت: ۱۴۰۲-۰۳-۲۲

پذیرش: ۱۴۰۲-۰۵-۱۰

چکیده

این پژوهش باهدف بررسی دیدگاه حضرت امام خمینی (ره) به‌عنوان یکی از اندیشمندان اسلامی معاصر، در مورد نظام شایسته‌سالار در مدیریت و رهبری جامعه اسلامی انجام شده است. دغدغه اصلی پژوهش این بوده که با توجه به اینکه هر صاحب‌نظر و اندیشمند اسلامی ممکن است در مورد ویژگی‌های شایستگی مدیر و رهبر جامعه اسلامی دیدگاهی داشته باشد، امام خمینی (ره) که در دوره معاصر هم یک اندیشمند اسلامی بوده و هم به‌عنوان یک مدیر و رهبر موفق در رهبری و مدیریت جامعه اسلامی ظاهر شده است، از دیدگاه ایشان، مدیر و رهبر جامعه اسلامی چه ویژگی‌های باید داشته باشد تا موفقیت لازم در اداره جامعه را به دست آورد. برای بررسی این مسئله، پژوهش به شیوه جستجوی کتابخانه‌ای و مراجعه به آثار مکتوب به‌جای مانده از امام خمینی (ره) و سیره و گفتارهای نقل شده از ایشان به‌ویژه "صحیفه امام"، فرمایشات ایشان در رابطه با موضوع تحقیق را جمع‌آوری نموده و با استفاده از روش توصیفی و تحلیل اسنادی و طبقه‌بندی مضامین استخراج شده از منابع، به این مطلب دست‌یافته است که از دیدگاه امام خمینی (ره) فردی شایسته‌ی مدیریت و رهبری جامعه اسلامی است که حداقل دارای ویژگی‌های پنج‌گانه؛ اعتقادی، علمی-تخصصی، سیاسی، اجتماعی و اخلاقی با شاخص‌ها و معیارهای مشخص و مختص به خود باشد.

واژگان کلیدی: مدیریت و رهبری، شایسته‌سالاری، امام خمینی، ویژگی‌های شایستگی.

^۱. دکترای قرآن و علوم؛ گرایش مدیریت، as ahmadi55@yahoo.com

مدیریت و رهبری جامعه بشری، یکی از مهم‌ترین ارکان اساسی و حیاتی زندگی اجتماعی انسان‌ها است؛ زیرا تصمیمات و اقدامات مدیریت و رهبری جامعه با سرنوشت ملت‌ها ارتباط دارد و باعث سعادت و احیاناً شقاوت جمعی افراد جوامع بشری می‌شود. بر همین اساس، بحث از شئون مدیریت و رهبری جامعه بشری و از جمله اینکه مدیر و رهبر جامعه، با چه ویژگی‌ها و با چه نظامی در رأس اداره جامعه قرار بگیرد، همواره مورد بحث و گفتگوی دانشمندان در محافل علمی بوده است. از جمله مباحث که در رابطه با مدیریت و رهبری جامعه در این محافل مطرح بوده و هست، بحث شایسته‌سالاری در موضوع مدیریت اجتماعی و سازمانی است؛ به این معنی که مدیریت موفق و اثربخش، به گونه‌ای که باعث سعادت و خوشبختی جمعی افراد جامعه گردد، مدیریتی است که دارای نظام شایسته‌سالار بوده و افراد شایسته در رأس اداره امور جامعه یا سازمان قرار گیرد. اگرچه بحث از نحوه مدیریت و رهبری جامعه، نه منحصر به عصر و زمان خاص بوده و نه به اندیشمندان مشخص، بلکه در طول تاریخ حیات جوامع بشری، بسیاری از اندیشمندان و فلاسفه بانام و گمنام، مؤمن و ملحد، شرقی و غربی در این باره سخن گفته و قلم‌فرسایی نموده‌اند، اما جهت‌گیری بحث در این پژوهش، در ارتباط با مدیریت و رهبری جامعه اسلامی و از دیدگاه اندیشمندان اسلامی است و اینکه از دیدگاه اندیشمندان اسلامی چه کسانی و با چه ویژگی‌های می‌توانند این وظیفه خطیر را به عهده گیرند. یکی از این اندیشمندان که هم به لحاظ نظری در این زمینه صاحب‌نظر بوده و هم به لحاظ عملی یک دوره مدیریت و رهبری جامعه اسلامی را موفقانه سپری نموده است، حضرت امام خمینی (ره) می‌باشد. ایشان که خود رهبر هوشمند و مدیر شایسته و توانمند و دارای ویژگی‌های شایسته مدیریت و رهبری بوده و بر اساس همین شایستگی‌ها بود که توانست با تمام موانع و مشکلاتی که وجود داشت، حرکت دینی و اسلامی ملت ایران و انقلابیون را درست مدیریت نمایند و انقلاب اسلامی را به پیروزی برسانند، دیدگاه‌هایی هم در رابطه با مدیریت و رهبری جامعه اسلامی دارند. به همین جهت، توصیه فرموده‌اند که در جامعه اسلامی یا در یک سازمان و اداره اسلامی هر فرد قبل از اینکه تصمیم به پذیرش این پست‌ها بگیرد، باید شایستگی آن



را در خود احساس کند، باید به این فکر باشد که آیا شایستگی و صلاحیت کافی در این کار را دارد و آیا لیاقت چنین جایگاهی را در خود احساس می‌کند؟ ایشان در موارد مختلف به این مسئله مهم اشاره فرموده‌اند؛ از جمله در یک مورد می‌فرماید: «هرکس در هر شغلی که به او پیشنهاد می‌شود، اگر شایستگی ندارد برای آن شغل، برای او صحیح نیست و جایز نیست که در آن شغل وارد بشود و اگر شایستگی دارد برای آن، برای او صحیح نیست که شانه خالی کند.» (امام خمینی، ۱۳۸۵، ج ۱۷: ۲۳۵). امثال این فرمایشات امام (ره) بیانگر آن است که از نظر ایشان مدیر و رهبر جامعه اسلامی و یا هرکسی که متصدی پُستی در جامعه اسلامی می‌شود باید دارای ویژگی‌های خاص باشد.

بنابراین، در مورد ایجاد یک نظام شایسته‌سالار، این سؤال قابل طرح است که توجه به کدام ویژگی‌ها (اصول و شاخص‌ها) موجب تحقق شایسته‌سالاری در اداره جامعه اسلامی یا سازمان اسلامی است؟ این تحقیق کوشیده است که به مناسبت سی و چهارمین سالگرد ارتحال ملکوتی امام خمینی ره و با توجه به ظرفیت محدود مقاله، در یک نگاه نسبتاً اجمالی، این موضوع را از دیدگاه امام خمینی (ره) که انقلاب اسلامی را باهدف برپایی نظام شایسته‌سالار در اداره جامعه اسلامی ایجاد کرد، مورد بحث و بررسی قرار دهد. دیدگاهی که خود مبتنی بر تعالیم دینی و آموزه‌های اسلامی است. مفهوم شایسته‌سالاری در آموزه‌های دین مبین اسلام به‌عنوان اصل لازم‌الاجرا برای مدیران مسلمان، مورد تأکید و توجه بوده است. پیامبر گرامی اسلام (ص) در روایتی فرموده‌اند: «اگر فردی، مسلمانی را برای کارهای حکومت منصوب نماید و بداند که در جامعه فردی لایق‌تر و عالم‌تر از او به دین وجود دارد، همانا به خداوند و رسول او و همه مسلمین خیانت کرده است.» (حکیمی و همکاران، ۱۳۸۰: ۵۸۵) در بیانات حضرت امام خمینی (ره) و سیره عملی ایشان نیز مکرراً به معیارهای کارگزاران شایسته و ضرورت رعایت این معیارها اشاره شده است. بر این اساس، هدف از انجام این پژوهش، بهره‌گیری از بیانات و سیره عملی ایشان که مبتنی بر آموزه‌های دین اسلام است، جهت ارائه مدل مطلوب از شایسته‌سالاری و شناخت مؤلفه‌ها و ویژگی‌های آن در جامعه اسلامی و سازمان‌های اسلامی، می‌باشد.



بنابراین، سؤال اصلی تحقیق این است که: مدیریت و رهبری مبتنی بر شایسته‌سالاری در جامعه اسلامی از دیدگاه امام خمینی چگونه است؟ و بالطبع، ویژگی‌های اصلی مدیر و رهبر شایسته چیست؟ و شاخص‌های فرعی این ویژگی‌ها کدامند؟

مفهوم شناسی شایستگی

شایستگی در لغت به معنای داشتن توانایی، اختیار، مهارت، دانش، لیاقت و صلاحیت است. (ابطحی، ۱۳۸۹: ۱۴۲) شایستگی‌ها مجموعه‌ای از دانش، مهارت‌ها، ویژگی‌های شخصیتی، علائق، تجارب و توانمندی‌ها در یک شغل یا نقش خاص است که موجب می‌شود فرد در سطحی بالاتر از حد متوسط در انجام وظیفه و ایفای مسئولیت خویش به موفقیت دست یابد (الوانی، ۱۳۷۷: ۱۳). در اصطلاح عام، شایستگی و شایسته‌سالاری بیشتر در انتخاب و انتصاب مدیران عالی و میانی سازمان‌ها به کار می‌رود. البته این مسئله در مورد کارکنان و مدیران عملیاتی نیز مصداق پیدا می‌کند.

به‌هرحال، نظام شایسته‌سالاری نظامی است که در آن مزایا و موقعیت‌های شغلی تنها بر اساس شایستگی و نه بر مبنای جنسیت، طبقه اجتماعی، قومیت و یا ثروت، به افراد داده می‌شود. شایسته‌سالاری دیدگاهی است که بر اساس آن، افراد از طریق نظام آموزشی و غیره و با تلاش فراوان، استعدادهای خود را شکوفا می‌سازند و درنهایت، فارغ از جنسیت، طبقه اجتماعی، قومیت و یا ثروت، فقط بر اساس شایستگی، در یک شغل استخدام می‌شود. شایسته‌سالاری به مفهوم به‌کارگیری مناسب‌ترین افراد در مناسب‌ترین جایگاه در سازمان است که امروزه در سازمان‌های رشد یافته یا در حال رشد، این امر از اهمیت خاصی برخوردار است.

مبانی نظری بحث

بحث شایسته‌سالاری در اداره امور جامعه یا سازمان‌های کوچک‌تر و لو با غیر این عنوان خاص، در طول تاریخ بشر مطرح بوده است و این امر یک آرزوی دیرینه‌ای است که همپای خلقت انسان با فطرت خداجوی او عجین شده است. هر انسان در درون ناخودآگاه و فطرت پاک خود، تمایل دارد به اینکه همواره شایسته باشد و با شایستگان در ارتباط باشد و در جامعه و زیر پرچم حکومت شایسته زندگی نماید؛ اما



این خواست گران سنگ به دلیل ناتوانی انسان در ارائه اندیشه منسجم و متناسب با ابعاد گوناگون شایسته سالاری، همواره با مشکلاتی مواجه بوده و همواره این پرسش ذهن اندیشمندان را به خود مشغول داشته است که برای تحقق این امر، از چه الگویی استفاده نمایند.

از نظر تاریخی، به ویژه این موضوع، در یونان باستان، قرون وسطا، دوره رنسانس و دوره روشنگری به صورت مکتوب مطرح بوده و در قرن نوزدهم به عنوان یک موضوع اصلی و علمی در دانشگاه‌ها مورد توجه قرار گرفت که به چند نمونه اشاره می‌شود:

یونان باستان: آقای «پریکلس»^۱ در مورد یونان قدیم می‌گوید: در دولت یونان حکومت دموکراسی جاری است؛ چراکه اداره امور در دست عده بسیاری از مردم بوده و پاداش هر کس بر اساس لیاقت و شایستگی مشخص می‌شود نه مقام و ثروت. برخی فلاسفه دیگر یونان مانند سقراط، افلاطون و ارسطو به دنبال ترویج شایسته سالاری در جامعه سنتی و اسطوره‌ای آن روز یونان بودند و حکومت را درخور و لایق حکما و تربیت یافتگان و عالمان جامعه و کسانی که حکمت آموخته و تخصص و مهارت کسب نموده‌اند، می‌دانستند (پولادی، ۱۳۸۶: ۳۵-۶۰).

قرون وسطی: در قرون وسطی که زمانی نسبتاً طولانی بیش از هزار سال را در برمی‌گیرد، درزمینه‌ی حکومت و مدیرانی که مدیریت امور جامعه را بر عهده می‌گیرند، نظریات مختلفی وجود دارد؛ اما آنچه نقطه مشترک تمامی این نظریات در این زمینه به حساب می‌آید، این است که صاحب نظران قرون وسطی همانند یونان باستان به عقل و خرد اهمیت فراوان می‌دادند. آن‌ها فردی را شایسته حکومت می‌دانستند که فیلسوف و خردمند باشد یا از طرف خردمندان به این منصب انتخاب شده باشد. (پولادی، ۱۳۸۶: ۱۵۶-۱۶۷)

دوره رنسانس: رنسانس یک جنبش فرهنگی مهم بود و آغازگر دورانی از انقلاب علمی و اصلاحات مذهبی و پیشرفت هنری در اروپا شد، عصر رنسانس، دوران گذار میان دوره قرون وسطی و دوران جدید بود و از قرن ۱۴ در ایتالیا شروع شد و در طی

سه قرن در سراسر اروپا انتشار یافت. ماکیاولی^۱ که در قلمرو اندیشه سیاسی، به‌عنوان نماینده رنسانس به حساب می‌آید و کتاب‌های به نام «شهریار» و «گفتارها» در باب سیاست و اداره جامعه دارد، معتقد است که حکومت چه از نوع جمهوری باشد یا از نوع پادشاهی، تنها نخبگان شایسته رهبری و اداره جامعه هستند. اگرچه نقش مردم را نیز نادیده نمی‌گرفت ولی اصل و مهم در حکومت از نظر ایشان و همفکران او، نخبگان است. (همان: ۳۰-۳۲).

دوره روشنگری: قرن هجدهم میلادی را در اروپا عصر روشنگری نامیدند. این عصر، دوره پیدایش جنبش‌های آزادی‌خواهی مردم‌سالاری است که اندیشمندان شاخص آن، «جان لاک»، «منتسکیو» و «بن‌تام» هستند. جان لاک که مؤسس حکومت پارلمانی در اروپا بود، اگرچه همه انسان را خوب و شایسته اداره امور جامعه می‌داند، ولی نظرات او گام‌های مثبت در جهت رشد و توسعه شایسته‌سالاری در آینده تلقی گردید. از این جهت در زمره دیدگاه‌های شایسته‌سالاری به حساب می‌آید هرچند، با دیدگاه نخبه‌گرایی متفاوت است. (بخشایشی اردستانی، ۱۳۹۴: ۱۰۶-۱۱۶)

جنبش بوروکراسی و شایسته‌سالاری: این جنبش در نیمه قرن ۱۹ میلادی بر اساس نیاز به نقش نظارتی دولت در امور اداری و لزوم برخوردار بودن کارکنان دولت از تخصص، مهارت، تجربه و شایستگی کافی، به وجود آمده است. اساس این جنبش بر این فرض استوار بوده که تمامی افراد جامعه بر مبنای لیاقت، شایستگی و توانایی علمی و عملی امکان ورود به خدمت دولتی را داشته باشند نه بر اساس روابط خاص مثل عضویت در جذب و روابط خانوادگی و مطابق نظر این جنبش، شایستگی افراد بر اساس آزمون سنجیده می‌شود و تغییر و تحول در نظام سیاسی باعث اختلال در کار و فعالیت کارمند نمی‌شود.



شایسته‌سالاری در حوزه علوم

بحث شایسته‌سالاری در ارتباط با اداره اجتماع، در حوزه علوم توسط افراد زیر مطرح شد:

مایکل یانگ: شایسته‌سالاری اولین بار توسط «مایکل یانگ» جامعه‌شناس بریتانیایی در کتابی به نام «طلوع شایسته‌سالاری» در سال ۱۹۵۸ م به کار برده شد. او در تعریف شایسته‌سالاری می‌نویسد: «شایسته‌سالاری سیستمی است که رهبری به‌واسطه نخبگان را مهیا می‌سازد» (گنجعلی، ۱۳۹۲: ۹۷) بر اساس این تعریف، شایسته‌سالاری سیستمی است که نقش‌های اجتماعی را به افراد بر اساس توانایی آن‌ها، بدون لحاظ هر مزیت دیگری از قبیل ثروت، طبقه اجتماعی، نژاد و ... واگذار می‌کند. از نظر یانگ، موقعیت اجتماعی افراد در آینده، ترکیبی از بهره‌هوشی و تلاش فراوان خواهد بود، مدعی است که شایسته‌سالاری در نهایت به یک انقلاب اجتماعی و یک نظام جدید منجر خواهد شد. در آن نظام توده‌های مردم حاکمانی را که از احساسات و نیازهای عامه مردم فاصله گرفته باشند از قدرت خلع می‌کنند و فردی دیگری را جایگزین آن می‌نمایند. یکی از اصول شایسته‌سالاری یانگ این است که قدرت و مسئولیت‌های عمومی در اجتماع باید با توجه به میزان شایستگی و استحقاق افراد میان آن‌ها تقسیم شود. میزان شایستگی و استحقاق افراد را می‌توان بر پایه میزان تحصیلات آن‌ها سنجید؛ بنابراین، نباید مشاغل دولتی، موقعیت‌های سیاسی و اجتماعی بر اساس وابستگی سیاسی یا پیوندهای فامیلی توزیع گردد، بلکه این توزیع باید بر اساس سطح تحصیلات و مدارک تحصیلی از راه آزمون استخدامی به افراد شایسته واگذار شود. از نظر یانگ، نظام مؤثر شایسته‌سالاری زمانی تحقق‌پذیر است که ما نظامی به وجود آوریم تا از طریق این نظام افراد بی‌لیاقت را که معمولاً از طبقات بالای جامعه هستند و در دستگاه دولتی مناصب عالی را اشغال کرده‌اند به زیر بکشانیم و در مقابل افراد شایسته و دارای شرایط را هرچند از طبقات پایین جامعه در مشاغلی که استحقاق آن را دارند، منصوب نماییم. (رحیق‌اعضان و مارک گلی، ۱۳۸۴: ۲۲۴)

مک کللند: در حوزه علوم، از جمله در دانش مدیریت، یکی از دیدگاه‌های مطرح در موضوع «شایستگی» که از موضوعات مرتبط با موضوع شایسته‌سالاری (موضوع

مورد بحث ما) است، دیدگاه آقای مک کلند و همفکرانش است. مک کلند، پروفیسور و روانشناس برجسته دانشگاه هاروارد، برای اولین بار در اوایل دهه ۱۹۷۰ م واژه شایستگی را مطرح نمود. او این مفهوم را به عنوان پیش‌بینی کننده توفیق کارکنان در شغل معرفی نمود و از این‌رو او شایستگی را به جای هوش، ملاک گزینش، ارتقاء و پاداش در سازمان‌ها قرارداد و در سال ۱۹۸۲ م به همراه همکاران خود «ریچ» و «بویاتزیس» در کتاب «شایستگی‌های مدیران» اولین تعریف را از شایستگی به صورت زیر ارائه نمود: «شایستگی: ویژگی‌های ریشه‌ای فرد (انگیزه، خصوصیات، مهارت، نقش اجتماعی و مجموعه دانش) که او را برای انجام وظیفه به کار می‌برد.» (دیانتی و عرفانی، ۱۳۸۸: ۱۶-۱۷)

آقایان «بویاتزیس» و «ریچ» در سال ۱۹۸۲ م در کتابشان به نام، «مدیر شایسته مدلی برای عملکرد مؤثر» کاربرد مفهوم شایستگی را در حوزه مدیریت منابع انسانی توسعه داد و از شایستگی این تعریف را ارائه نمود: «شایستگی ترکیبی از انگیزش، صفات، مهارت‌ها، نقش اجتماعی، تصور فرد از خود». این تعریف در دهه ۱۹۹۰ م فضای گسترده‌ی جهت اظهار نظرهای متفاوت و بحث پیرامون شایستگی ایجاد کرد و باعث شد موضوع شایستگی در طول دو دهه از دیدگاه‌های مختلف مورد توجه قرار گیرد و تعاریف متعددی از سوی محققان در این زمینه مطرح شود. (مطلبی اصل، ۱۳۸۷: ۲۵)

به‌هر حال، «مدیریت بر مبنای شایستگی» (شایسته‌سالاری)، می‌تواند سهم مهمی در سطح سازمانی و فردی داشته باشد؛ زیرا مدیریت بر مبنای شایستگی، رویکرد منسجم و چارچوبی مشترک و هماهنگ برای اداره سرمایه‌های انسانی در بلندمدت است که بر مبنای مجموعه مشترکی از شایستگی‌های مرتبط با راهبردهای کلان کشور تدوین می‌شود. (دهقانان، ۱۳۸۶: ۴)

شایسته‌سالاری از دیدگاه اسلام

با تفکر در اندیشه سیاسی و اجتماعی اسلام و جستجو در آموزه‌های تعالی بخش آن، می‌توان جایگاه شایسته‌سالاری را پیدا کرد. عدالت به‌مثابه اساسی‌ترین اصل دینی، همان شایسته‌سالاری است؛ زیرا با تحقق عدالت اسلامی، اصل استقرار هر چیزی در جای خودش برآورده می‌شود. خداوند در سوره‌ی انبیاء آیه‌ی ۱۰۵ حکومت



و سروری بر زمین را مناسب بندگان صالح و شایسته می‌داند: «ان الارض يرثها عبادى الصالحون». رعایت اهلیت در انتخاب افراد و واگذاری کارها، از مهم‌ترین مسائل در مدیریت و رهبری است؛ یعنی کسی که قرار است مسئولیت کاری را عهده‌دار شود، باید شایستگی‌های لازم را برای آن مسئولیت دارا باشد و به‌اصطلاح اهلیت آن کار را داشته باشد. با توجه به اینکه رعایت اهلیت در مدیریت و واگذاری مسئولیت‌ها از نظر عقلی امر لازم است، سنت الهی نیز بر این بوده است که به هیچ‌کس جز بر اساس شایستگی مسئولیتی را ندهد. چنانچه در واگذاری مسئولیت‌های الهی به انبیاء و اولیاء الهی این امر مشهود است؛ از جمله بر اساس آیه ۱۲۴ سوره بقره، خداوند حضرت ابراهیم رازمانی به مقام پیشوایی مردمان منصوب کرد که از آزمایش‌ها گوناگون موفق بیرون آمد و شایستگی این مسئولیت را پیدا کرد. این بدان جهت است که در منطق قرآن، منصب‌ها و مسئولیت‌ها، چه کوچک و چه بزرگ، امانت‌های به شمار می‌رود که باید به اهلش سپرده شود. قرآن می‌فرماید: «ان الله يأمرکم أن تؤدوا الامانات الی اهلها...» (نساء/۵۸) مسلم است که مدیریت و رهبری و مسئولیت‌های اجتماعی از مهم‌ترین امانت‌ها به حساب می‌آید. به همین جهت، دین اسلام ویژگی‌ها و شرایط مهمی را برای تصدی این جایگاه رهبری و مدیریت جامعه اسلامی در نظر گرفته است که به چند ویژگی به‌عنوان نمونه اشاره می‌شود:

الف) ایمان و تقوی: احراز درجه اکمل ایمان و تقوی، نخستین اصل و اعتباری است که موجب برگزیده شدن انبیاء، اوصیاء و خلفای صالحان شد. این اصل و معیار شایستگی را از آیه ۱۲۴ سوره بقره استنباط می‌کنیم که در پاسخ حضرت ابراهیم که گفت: از دودمان من نیز پیشوایانی قرار ده. فرمود: «لاینال عهدی الظالمین»؛ «پیمان من به ستمکاران نمی‌رسد تنها آن دسته از فرزندان تو که شایسته باشند به پیشوایی خواهد رسید.» (عباس نژاد، ۱۳۸۴: ۳۱۹) یعنی آن‌های که اقوی و ایمان کامل ندارند، شایستگی و لیاقت امامت را نخواهند داشت.

ب) دانش و توانایی: در آیه ۲۴۷ سوره بقره در داستان برگزیدن طالوت برای فرماندهی بنی‌اسرائیل که فرد جوانی بود، اهلیت‌های اصلی یعنی «علم و قدرت» یا تخصص و توانایی را به‌منزله ویژگی‌هایی که فرد را شایسته مدیریت می‌سازد، معرفی

می‌کند؛ «ان الله الصطفیه علیکم و زاده بسطه فی العلم و الجسم»؛ خداوند او را بر شما برگزید و علم و قدرت جسمی او را وسعت بخشید». دانش و تخصص، موضوعی است که مورد توجه امامان شیعه بوده است و در احادیث منقول از این بزرگواران بر آن تأکید شده است. به عنوان نمونه: امام صادق (ع) از پیامبر گرامی اسلام نقل فرموده: «من عمل علی غیر علم کان ما یفسد اکثر مما یصلح» (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۱: ۴۴) این حدیث می‌فرماید که فرد غیرمتخصص در هر شغلی صلاحیت کار کردن ندارد؛ زیرا میزان زیانی که در اثر عدم تخصص وارد می‌کند، بیشتر از سودی است که می‌رساند.

ج) امانت و توانایی: در داستان حضرت موسی (ع) و حضرت شعیب و دختران او، دو ویژگی؛ توانایی و امانت داری حضرت موسی را معیار شایستگی معرفی می‌نماید؛ «القوی الامین» (قصص/۲۶)؛ «قوی» و «امین» است. در داستان حضرت یوسف (ع) امانت‌داری و آگاهی و تخصص («حفیظ» و «علیم») او را به عنوان معیار شایستگی معرفی می‌فرماید؛ «واجعلنی علی خزائن الارض انی حفیظ علیم؛ (یوسف/۵۵) مرا سرپرست خزائن مصر قرار ده که نگه‌دارنده و آگاهم».

د) تسلط بر دانش دین؛ امام علی (ع) در ارتباط با مشاغل تجارت همواره به اهل بازار توصیه می‌فرمود که اول احکام را فراگیرید آنگاه به کار تجارت پردازید؛ فرمود: «یا معشر التجار الفقه ثم المتجر» (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۵: ۱۵۰) اول دانش دینی را درزمینه‌ی شغل موردنظر فراگیرید بعد تجارت نمایید. ایشان در خطبه ۱۷۴ نهج‌البلاغه می‌فرماید: «ای مردم! همانا سزاوارترین مردم به امر خلافت و رهبری امت، تواناترین بر اداره آن و داناترین به فرمان خداوند در فهم مسائل می‌باشد»؛ دانایی به فرمان خدا همان تسلط بر دانش دین است. مدیریت و رهبری در جامعه اسلامی به معنی اجرای فرامین الهی و دینی است که بدون آگاهی از آن میسر نیست. این بیان امام (ع)، مؤلفه‌های اصلی شایسته‌سالاری یعنی تعهد، تخصص و توانایی انجام کار را در پذیرش مسئولیت می‌رساند. علاوه بر این، سیره عملی پیامبر (ص) و همچنین سره ائمه معصومین (ع) به‌ویژه سیره عملی و مدیریتی امام علی (ع) گواه بر این است که از دیدگاه اسلام، شایسته‌سالاری اساس کار در مدیریت و رهبری و به عهده



گرفتن مسئولیت‌های اجتماعی است که به دلیل عدم ظرفیت مقاله، از توضیح آن صرف نظر می‌کنیم.^۱

هدف از بیان خلاصه دیدگاه اسلام در باب شایسته‌سالاری، این بود که آنچه در این باب از دیدگاه امام خمینی (ره) بیان می‌شود، ریشه در این اندیشه دارد.

پیشینه تحقیق

بحث از شایسته‌سالاری در کتاب‌ها، پایان‌نامه‌ها و مقالاتی زیادی مطرح شده است و محققان زیادی در این زمینه قلم زده‌اند. این تحقیقات در موضوعات غیر از موضوع این مقاله بوده و بیشتر این تحقیقات، شایسته‌سالاری را در سیره مدیریتی امام علی (ع) مورد بررسی قرار داده‌اند که در جدول ذیل، به این تحقیقات اشاره می‌شود.

عنوان منبع	نویسنده	محتوی
شایسته‌سالاری دینی در نظام اداری با تأکید بر نظام اداری افغانستان، پایان‌نامه، ۱۳۹۵.	رحمتا لله احمدی	تاریخچه و نظریه‌های شایسته‌سالاری، مبانی و اصول شایسته‌سالاری دینی، معیارهای شایستگی در نظام شایست سالاری دینی. فرایند و مراحل شایسته‌سالاری؛ و ...
معیارهای شایسته‌سالاری در اسلام / مجله معرفت، سال هجدهم، ش ۱۴۱، ۱۳۸۸، ص ۷۱.	قادر علی واثق	معیارهای شایستگی: ایمان، تقوی، علم، بصیرت، عدالت، صداقت، اخلاق نیکو، رفق و مدارا و..
شایسته‌سالاری در نظام سیاسی علوی / مجله	مجدالدی ن مدرس	قضات: اهل تحقیق باشد و کارگزاران: باتجربه، نجابت و ...

مدیریت و رهبری مبتنی بر شایسته‌سالاری از دیدگاه امام خمینی (ع)

۱- در این زمینه به این منابع مراجعه شود؛ ثقفی تهرانی، محمد، «ساختار اجتماعی و سیاسی نخستین حکومت اسلامی در مدینه»، قم، هجرت، ۱۳۷۶: ۱۷۴-۱۷۸؛ سپهری، محمدتقی، «ناسخ التوایخ»، تهران، کتابفروشی اسلامیة، ۱۳۶۳: ۳۸۷؛ علیخانی، علی‌اکبر، توسعه سیاسی از دیدگاه امام علی (ع)، قم، سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۷: ۳۵.

مشاوران: خردمند، شکبیا و ... لشکریان: شجاع، سعه صد رو ...	زاده	پژوهش‌های مدیریت راهبردی، بهار ۱۳۸۱، ش ۲۸ و ۲۹، ص ۶۵.
شایسته‌سالاری در قرآن کریم، در سیره پیامبر، در سیره و نظام اداری علی (ع)، معیارهای شایسته‌سالاری. ...	اسدالله احمدی	شایسته‌سالاری و معیاری‌های آن در مدیریت اسلامی. پایان‌نامه، ۱۳۹۱.
تقوی، حسن سابقه، دانایی و توانایی، صلاحیت اخلاقی، داشتن ظرفیت روحی و کاری، ضابطه‌گرایی به‌جای رابطه‌گرایی و ...	نصر اصفهانی	شایسته‌سالاری در مدیریت جامعه با تأکید بر اندیشه امام علی (ع) / مجله معرفت، سال دوم، ش ۲، پاییز و زمستان ۱۳۸۹، ص ۱۴۱.
عقل و خرد و درایت، علم، عدالت، توانایی و صلاحیت تخصصی، پرهیزگاری و زهد و ...	مصطفی دل‌شاد تهرانی	اندیشه سیاسی و سیره حکومتی علی (ع)، دولت آفتاب، تهران، دریا، ۱۳۸۰، ص ۸۹-۱۲۷.
سعه‌صدر، اصالت خانوادگی و دودمان صالح، حسن سابقه، شجاعت، بلندهمتی، پوزش‌پذیری و ...	محمود قوچانی	فرمان حکومتی؛ پیرامون مدیریت شرح عهدنامه امیرالمؤمنین علی بن ابی‌طالب (ع) به مالک اشتر، تهران، مرکز آموزش مدیریت دولتی، ۱۳۷۴، ص ۱۳۳- ۱۴۳.
مباحث مختلف معیارهای شایسته‌سالاری مطرح‌شده است.	محمد لطیف‌جید	معیارهای شایسته‌سالاری از دیدگاه امام علی (ع)، پایان‌نامه، ۱۳۹۳.

جدول (۱) پیشینه تحقیق



همان‌طور که مشاهده می‌شود، هیچ‌کدام این تحقیقات انجام‌شده، در موضوع مدیریت و رهبری جامعه اسلامی مبتنی بر شایسته‌سالاری از دیدگاه امام خمینی (ره) نبوده است. از این جهت، این تحقیق، در نوع خود یک تحقیق جدیدی است که تا آنجای که این مقاله جستجو نموده، هنوز در مورد این موضوع، کاری صورت نگرفته است.

روش پژوهش

این پژوهش، از نوع تحقیقات کیفی است و از نظر روش تحلیل داده‌ها، توصیفی-تحلیلی است که علاوه بر توصیف آنچه هست، از تحلیل اسناد بهره گرفته شده است. «در تحقیقات توصیفی-تحلیلی، محقق ابتدا به تصویرسازی آنچه هست می‌پردازد و سپس به تشریح و تبیین دلایل و چگونگی بودن و چرایی وضعیت مسئله و ابعاد آن می‌پردازد. از ویژگی‌های تحقیق توصیفی-تحلیلی این است که محقق در موقعیت و وضعیت متغیرها نقش ندارد و آن‌ها را دست‌کاری و کنترل نمی‌کند و صرفاً آنچه را وجود دارد به توصیف و تشریح آن می‌پردازد.» (هانیه اخوت، ۱۳۹۳: ۲۳-۳۴). از نظر ابزار گردآوری اطلاعات، از شیوه‌ای کتابخانه‌ای بهره برده شده است؛ یعنی بعد از بررسی پیشینه تحقیق، ابتدا به منابعی که از مبانی نظری پژوهش در آن‌ها بحث به‌عمل آمده، مراجعه شد و سپس برای بررسی موضوع اصلی تحقیق، به برخی آثار مکتوب امام (ره) که مطالب آن مرتبط با موضوع تحقیق بود مانند صحیفه امام (۲۲ جلدی) که مرجع عمده در این پژوهش بوده، ولایت‌فقیه و کتاب کشف‌الاسرار مراجعه و مضامینی به‌عنوان ویژگی‌های شایستگی از دیدگاه امام (ره) از این منابع استخراج شد. در مرحله بعد، مضامین استخراج‌شده بر پنج دسته طبقه‌بندی شده و عناوین پنج‌گانه ویژگی‌های اعتقادی، علمی-تخصصی، سیاسی، اجتماعی و اخلاقی به‌عنوان ویژگی‌های اصلی از مجموعه مضامین استخراج‌شده انتزاع و با توجه به این عناوین انتزاعی، ویژگی‌های شایستگی مدیریت و رهبری از دیدگاه امام خمینی (ره) مورد بحث و بررسی قرار گرفته است.

تحلیل یافته‌ها

اکنون عناوین پنج‌گانه به‌دست‌آمده از مضامین استخراج‌شده از منابع را تحت عنوان "ویژگی‌های اصلی مدیر و رهبر شایسته مبتنی بر دیدگاه امام خمینی (ره)" به



تشریح و تحلیل گرفته و متناسب با هر ویژگی اصلی، شاخص‌ها و ویژگی‌های فرعی آن نیز با توجه به این دیدگاه، به صورت زیر مورد بررسی قرار می‌گیرد.

الف) ویژگی‌های اعتقادی

۱- ایمان: در گفتار امام خمینی (ره) و همچنین در رفتار ایشان، ایمان به عنوان عاملی قدرتمندی است که انسان را در مقابل خطرات محافظت می‌کند. امام (ره) با تأکید بر اینکه کشور و جامعه نیاز به انسان‌های مؤمن دارد، نبودن ایمان (به خداوند، به آخرت، به نبوت) در زندگی انسان را، موجب انحراف وی و افراد دیگر می‌داند مخصوصاً که این افراد بی‌ایمان، در رأس اداره امور جامعه قرار گیرد. به جهت عدم ایمان است که برخی سازمان‌ها دچار آلودگی و بیماری و دارای نوعی روابط کاری ناسالم و غیرعقلانه است و افراد آن برای رسیدن به امیال و سود شخصی، باهم بده و بستان‌های دارند یا از حربه تطمیع و تهدید استفاده می‌کنند. به نظر امام ره، این بیماری اداری و سازمانی تنها با پرورش مدیران مؤمن و پرهیزگار و به کار گماردن آن‌ها در اداره‌های مختلف معالجه می‌گردد و معتقد است که تطمیع و تهدید در انسان‌های مؤمن اثری ندارد. لذا می‌فرماید: «آنی که تقوا و ایمان دارد، نه تطمیع در او تأثیر می‌کند که خیانت کند و نه تهدید در او اثر می‌کند برای اینکه تهدیدها را با خلاف تکلیف کردن موازنه می‌کند.» (امام خمینی، ۱۳۸۵، ج ۶: ۲۵۱)

ب) ویژگی‌های علمی و تخصصی

۱- علم به قانون

یکی از مهم‌ترین ویژگی رهبر و مدیر جامعه اسلامی که شایستگی مدیریت و رهبری را برای او به ارمغان می‌آورد، آگاهی از قوانینی است که باید در جامعه پیاده شود. اگر این آگاهی را نداشته باشد، این شایستگی را هم نخواهد داشت. امام خمینی (ره) در مورد برخورداری زمامدار حکومت اسلامی از علم به قانون می‌فرماید: «چون حکومت اسلام حکومت قانون است، برای زمامدار علم به قوانین لازم می‌باشد، چنانکه در روایت آمده است. نه برای زمامدار بلکه برای همه افراد، هر شغل یا وظیفه و مقامی که داشته باشند، چنین علمی ضرورت دارد.» (امام خمینی، ۱۳۸۹، ب: ۴۸). منظور امام (ره) از علم به قانون، علم به قوانین اسلام است که دارنده آن را شایسته تصدی رهبری جامعه می‌کند. لذا حضرت امام (ره) دلیل ضرورت وجود این شرط



برای زمامدار جامعه اسلامی می‌فرماید: «حکومت اسلامی حکومت قانون است، نه خودسری و نه حکومت اشخاص بر مردم. اگر زمامدار مطالب قانونی را نداند، لایق حکومت نیست؛ چون اگر تقلید کند، قدرت حکومت شکسته می‌شود و اگر نکند نمی‌تواند حاکم و مجری قانون اسلام باشد.» (امام خمینی، ۱۳۸۹ ب: ۴۸-۴۹) در ذیل این ویژگی، دو ویژگی دیگر نیز که مرتبط با این ویژگی است، لازم به یادآوری است؛

۱-۱- پایبندی به قانون: از شرایط لازم و ضروری برای حاکم اسلامی از منظر امام خمینی (ره)، علاوه به علم به قانون، پایبندی حاکم جامعه اسلامی به قانون رسمی مملکت است. ایشان در کتاب کشف‌الاسرار در این خصوص می‌فرماید: «زمامدار جامعه اسلامی نباید از فقه که قانون رسمی مملکت است تخلف کند. اول شرط شاه آن است که تخلف از قانون را بر خود روا ندارد و خود را مطیع قانون بداند.» (امام خمینی، کشف اسرار: ۲۳۳) در جای دیگر در زمینه‌ی پایبندی همگان و حتی سایر مراجع به قانون می‌فرماید: در اسلام قانون حکومت می‌کند، پیغمبر اکرم هم تابع قانون بود، تابع قانون الهی، نمی‌توانست تخلف بکند. خدای تبارک و تعالی می‌فرماید که اگر چنانچه یک چیزی برخلاف آن چیزی که من می‌گویم تو بگویی، من تو را اخذ می‌کنم و تینت را قطع می‌کنم. (امام خمینی، ۱۳۸۹ الف، ج ۱۰: ۳۱۰-۳۱۱)

۲-۱- رعایت تساوی همگان در برابر قانون: یکی از شرایط زمامدار جامعه اسلامی از دیدگاه امام خمینی (ره) این است که قانون را برای همه به صورت یکسان اجرا نماید و از این نظر میان اشخاص تفاوت قائل نشود. امام در این مورد، داستان علی (ع) و برادرش عقیل را که به دلیل تنگدستی خواهان سهم بیشتری از بیت‌المال بود، مثال می‌زند و می‌فرماید: «ما چنین حاکم و زمامداری می‌خواهیم زمامداری که مجری قانون باشد؛ نه مجری هوس‌ها و تمایلات خویش، افراد مردم را در برابر قانون مساوی بداند و آن‌ها را دارای وظایف و حقوق متساوی؛ بین افراد امتیاز و تبعیض قائل نشود، خاندان خود و دیگران را به یک نظر نگاه کند، ...» (امام خمینی، ۱۳۸۹ ب: ۱۳۱)

۲- تخصص مدیریتی: از دیدگاه امام خمینی (ره) کسی که مسئولیت رهبری و هدایت و مدیریت مجموعه‌ای را بر عهده می‌گیرد، باید دانش و تخصص کافی و صلاحیت علمی لازم در رابطه با آن مسئولیت را داشته باشد تا بتواند به‌گونه‌ای

عقلانی و درست تصمیم گرفته و عمل نماید. ایشان در این زمینه می‌فرماید: «دولت بدون گزینش اشخاص متعهد و متخصص در رشته‌های مختلف، موفق نخواهد شد و دولتمردان در گزینش همکاران به کاردانی و تعهد آنان و بهتر خدمت کردن آن‌ها به کشور و در منافع ملت بودن تکیه کنند...، نه بر دوستی و آشنایی و حرف‌شنوی بی‌تفکر و تأمل که این رویه موجب ناکامی در خدمت به کشور است... دولتمردان از دانشمندان و متخصصان متعهد استمداد کنند تا راز موفقیت را به‌دست‌آمده آورند» (امام خمینی، ۱۳۸۵، ج ۱۹: ۱۵۷). در جای دیگر می‌فرماید: «تا آنجا اسلام کوشش دارد برای متخصص که در احکام عادی هم در احکام شرعی هم متخصص‌تر را میزان قرار داده است، رأی متخصص‌تر را میزان قرار داده است.» (امام خمینی، ۱۳۸۵، ج ۱۴: ۳۵۸) در جای دیگر فرمود: «شما سعی کنید از متخصص متدین و متعهد استفاده کنید. ما بارها گفته‌ایم که ما متخصص می‌خواهیم، ولی متخصص متعهد.» (امام خمینی، ۱۳۸۵، ج ۱۵: ۳۱۰)

ج) ویژگی‌های سیاسی

۱- داشتن بینش و آگاهی سیاسی- اجتماعی: امام خمینی (ره) یکی از شرایط فقیه حاکم جامعه اسلامی را، داشتن بینش سیاسی اجتماعی می‌داند. ایشان معتقد است که فقیه حاکم در حوزه فقه سیاسی بیش از حوزه‌های دیگر قدرت تشخیص و استنباط احکام شریعت را داشته باشد. لذا در توصیف این شرط می‌فرماید: «مهم شناخت درست حکومت و جامعه است که بر اساس آن نظام اسلامی بتواند به نفع مسلمانان برنامه‌ریزی کند که وحدت رویه و عمل ضروری است و همین‌جا است که اجتهاد مصطلح در حوزه‌ها کافی نیست، بلکه یک فرد اگر اعلی در علوم معهود حوزه‌ها هم باشد ولی نتواند مصلحت جامعه را تشخیص دهد و یا نتواند افراد صالح و مفید را از افراد ناصالح تشخیص دهد و به‌طور کلی در زمینه‌ی اجتماعی و سیاسی فاقد بینش صحیح و قدرت تصمیم‌گیری باشد، این فرد در مسائل اجتماعی و حکومتی مجتهد نیست و نمی‌تواند زمام جامعه را به دست گیرد.» (امام خمینی، ۱۳۸۹، الف، ج ۲۱: ۱۷۷-۱۷۸)

۲- کفایت و صلاحیت: یکی دیگر از ویژگی‌های لازم برای زمامدار جامعه اسلامی از دیدگاه امام خمینی (ره) ویژگی "کفایت و صلاحیت" است. امام (ره) در این



زمینه چنین می‌فرماید: «البته ویژگی کفایت و صلاحیت که برای زمامدار امر ضروری است، در همان شرط نخست یعنی علم - به معنی وسیع آن - مندرج است و شک نیست که حاکم جامعه اسلامی باید این ویژگی را نیز داشته باشد. البته اگر کسی کفایت را به‌عنوان شرط سوم زمامداری مطرح کند، نیز بسزاست» (امام خمینی، ۱۳۷۱: ۳۰) منظور امام (ره) از کفایت یا تدبیر که آن را سزاوار این دانسته که شرط مستقل از شرط علم باشد و وجود آن برای زمامدار جامعه اسلامی از نظر ایشان ضروری است، تدبیر و کفایت سیاسی، برخورداری از توان مدیریت و اداره کلان جامعه و دارا بودن شرم و درک سیاسی عمیق نسبت به مسائل همراه با شناخت مصالح عمومی، زیرکی و تشخیص صحیح امور است. بدین معنا که اداره‌ای یک جامعه‌ای مدنی با ابعاد پیچیده‌ی آن، نیاز به عقل و شعور سیاسی بالایی دارد. (صلاحی، ۱۳۹۵: ۱۹۵-۱۹۶)

مدیریت و رهبری مبتنی بر شایسته‌سالاری از دیدگاه امام خمینی (ع)

۳- بصیرت و آگاهی سیاسی-اجتماعی: از دیدگاه امام خمینی (ره)، یک مدیر و رهبر شایسته کسی است که نسبت به شرایط حال و آینده آگاهی داشته و با بصیرت و شناخت اهداف و آرمان‌ها به‌سوی آن‌ها گام بردارد. ایشان در این زمینه می‌فرماید: «در همه مسائلی که انسان اقدام می‌کند یک‌جورش این‌طور است که یک قسم از مسائل این‌طور است که انسان باید ملاحظه کند که در این عملی که می‌کند نتیجه حاصل می‌شود، نمی‌شود؟ آیا می‌رسد به این مقصدی که دارد، نمی‌رسد؟ اگر مطمئن شد که به آن می‌رسد اقدام می‌کند، اگر مطمئن نشد، اقدام نمی‌کند. ...» (امام خمینی، ۱۳۸۵، ج ۵: ۱۸) در جای دیگر می‌فرماید: «و خداوند متحول کند قلوب و ابصار ما را و بصیرت ما را به یک قلوب نورانی و یک بصیرت واقعی که مسائل را درست ارزیابی کنیم.» (همان، ج ۱۴: ۲۲۸)

۴- توان دوست‌شناسی و دشمن‌شناسی: در مباحث مدیریتی و سازمانی، یکی از مسائل مهم و استراتژیک، شناخت رقباست. سازمانی که نسبت به رقبای خود شناخت نداشته باشد، ممکن است به‌زودی مواجه با شکست شود. در مدیریت و رهبری سیاسی-اجتماعی نیز شناخت دوست و دشمن از مسائل مهم و اساسی است. مدیری که توان شناخت دوست و دشمن جامعه، فرهنگ و ارزش‌های اجتماعی و دینی خود را نداشته باشد، شایستگی مدیریت جامعه اسلامی را ندارد و ممکن است



از راه‌های مختلف از ناحیه دشمن به او و جامعه تحت مدیریت او آسیب برسد و در نتیجه نتواند به شایستگی جامعه را مدیریت نماید. مدیری موفق است که توان دوست شناسی و دشمن‌شناسی را داشته باشد. از ویژگی‌های حضرت امام خمینی (ره) که به او امکان داد که به شایستگی جامعه و انقلاب را مدیریت کند، دو ویژگی دوست شناسی و دشمن‌شناسی او بود. او خوب درک کرده بود که دوست این انقلاب و جامعه اسلامی کیست و دشمن آنچه کسانی می‌باشند و لذا برای مقابله با دشمنان و توطئه‌های آن‌ها برنامه‌های لازم را روی دست گرفت تا آن‌ها نتوانند به انقلاب آسیب برسانند. مقام معظم رهبری حضرت آیت‌الله خامنه‌ای (دام‌ظله) در این زمینه می‌فرماید: «... دو خصوصیت دیگر نیز بود که وجود آن‌ها جز با روحانیت الهی ممکن نیست و آن‌ها عبارت بودند از: ۱. دشمن‌شناسی و ۲. دوست شناسی امام. هرگز در شناخت دشمن‌ها و دوست‌ها اشتباه نکردند؛ از اول دشمن‌ها را شناختند و اعلام کردند و تا آخر هم در برابرشان ایستادند، از اول دوستان را شناختند و اعلام کردند و تا آخر هم از دوستی آن‌ها بهره‌مند شدند.» (ستوده، ۱۳۷۳، ج ۲، ۲۰۲) بنابراین، از خصوصیت‌هایی که برای فرد شایستگی می‌آورد تا بتواند جامعه اسلامی را رهبر و مدیریت کند، توان دشمن‌شناسی و دوست شناسی است.

۵- ساده‌لوح نبودن: امام خمینی (ره) یکی از شرایط مهم رهبر جامعه اسلامی را بصیرت و زرنگی و ساده‌لوح نبودن می‌داند که تا در موارد و موقف‌های مختلف فراز و نشیب مسائل اجتماعی- سیاسی در روند اداره جامعه دچار فریب افراد فریبکار نشود و سریعاً و بدون اندیشه درست در برابر مسائل تحریک نشود. اهمیت این شرط برای رهبری آنجا مشخص می‌شود که بدانیم یکی از دلایل که منجر شد که امام (ره) عدم صلاحیت آیت‌الله منتظری را برای تصدی رهبری نظام جمهوری اسلامی اعلام کند، ساده‌لوحی و تحریک شدن سریع وی بود. امام خمینی (ره) در نامه مورخه‌ی ۶ فروردین ۱۳۶۸ که طی آن آیت‌الله منتظری را فاقد صلاحیت تصدی رهبری اعلام کرد، خطاب به او می‌فرماید: «از آنجا که ساده‌لوح هستی و سریعاً تحریک می‌شوی در هیچ کار سیاسی دخالت نکنید، شاید خدا از سر تقصیرات شما بگذرد.» (امام خمینی، ۱۳۸۹ الف، ج ۲: ۳۳۱)



۶- زمان‌شناسی: از دیدگاه امام خمینی (ره)، یکی از نشانه‌های رشد فکری و عقلی یک مدیر و رهبر شایسته، تشخیص زمان مناسب انجام هر کاری و درک درست از شرایط زمانی و تغییر و تحولاتی است که در آن زمان در حال وقوع است. ایشان در این زمینه می‌فرماید: «رشد فکری هر قومی این است که بشناسد مقام را و بفهمند چه وقت باید چه کرد. بسیاری از انحرافات که برای انسان پیدا می‌شود، این است که موقع‌شناس نباشد و یک مطالبی که حالا باید طرح بشود آن را طرح نکند، یک مطالبی که حالا وقتش نیست، طرح بکند.» (امام خمینی، ۱۳۸۵، ج ۹: ۴۹۷)

۷- ظلم‌ستیزی: از دیدگاه امام خمینی (ره) یکی از وظایف مهم رهبر و مدیر شایسته، بر خود با هرگونه ظلم و جفایی است که به افراد جامعه می‌شود. ایشان می‌فرماید: «یک تکلیف شرعی-وجدانی است که شما نگذارید در هر جایی که هستید آن کسانی که در زیر نظر شما و زیر حکومت شما هست به مردم بدسلوکی کنند، مردم را بپذیرید برای خودتان، بروید تو مردم، جدا نشوید از مردم.» (امام خمینی، ۱۳۸۵، ج ۱۲: ۳۲۲)

۸- حفظ نظام اسلامی: یکی از مهم‌ترین تکالیفی که امام خمینی (ره) تأکید بسیاری بر آن دارند، حفظ و نگهداری اسلام و کشور اسلامی به‌مثابه یک امانت الهی است. از این رو یک مدیر و رهبر شایسته کسی است که در همه تصمیم‌ها و کارهای خود باید به‌گونه‌ای عمل کند که حکومت اسلامی و نظام اسلامی و اسلام حفظ شود و آسیبی به آن وارد نشود. ایشان در این زمینه می‌فرماید: «ما مکلفیم از طرف خدای تبارک و تعالی که این امانتی که به ما داده‌شده است و آن کشور اسلامی است و اسلام است و جمهوری اسلامی است حفظش کنیم، در این امر هیچ سستی در خودمان راه ندهیم.» (امام خمینی، ۱۳۸۵، ج ۱۳: ۴۴)

۹- حفظ وحدت: از دیدگاه امام خمینی (ره)، یکی از وظایف مهم رهبر و مدیر، حفظ وحدت اجتماع و پیروان است. به این معنی که مدیر و رهبر شایسته باید به گونه عمل کند و تصمیم بگیرد که مانع تفرقه و اختلاف میان افراد جامعه شود. ایشان فرمود: «فکر وحدت مسلمین و دولت‌های اسلامی در رأس برنامه زندگی این‌جانب است.» (امام خمینی، ۱۳۸۵، ج ۳: ۹۴)



د) ویژگی‌های اجتماعی

۱- مردم‌گرایی و تکیه بر منابع انسانی: نیروی انسانی در سازمان از مهم‌ترین منابع سازمانی است که حیات سازمان به وجود آن بستگی دارد. امام خمینی (ره) به‌عنوان یک مدیر و رهبر دانا و آگاه، به نیروی انسانی و مردمی در اداره امور کشور اهمیت زیاد قائل بوده است و تکیه بر این نیرو را مهم می‌دانسته‌اند. یکی از مدیران برجسته دوران رهبری حضرت امام (ره)، مقام معظم رهبر حضرت آیت‌الله خامنه‌ای (دام‌ظله العالی) بوده است. ایشان می‌فرماید: «به خاطر دارم یک‌بار که خدمت امام رسیدیم، آن روز ما، یعنی مرحوم دکتر بهشتی و آقای هاشمی رفسنجانی و مرحوم باهنر و بنده و آقای موسوی اردبیلی و بنی‌صدر خدمت امام بودیم، امام فرموده بودند آقای مهندس بازرگان هم به آن جلسه بیاید، قرار بود آن روز درباره اختلافان صحبت کنیم. بنی‌صدر گفت: «بگذارید این جنگ را به پایان برسانم، بعد می‌روم کنار». امام فرمودند: «این خیال اشتباه است که اگر تو نباشی جنگ به پایان نمی‌رسد تو اگر بروی کنار من خودم جنگ را تمام می‌کنم». در یک جای هم صحبت از اداره کشور بود، امام فرمودند: «اگر همه شما بروید کنار، من خودم کشور را اداره می‌کنم»؛ و این یک واقعیتی است که اگر همه ما نمی‌بودیم، امام می‌توانستند کشور را اداره کنند؛ زیرا امام با نیروی مردم و با بازوی نیرومند عناصر مردمی در اداره کشور نمی‌ماندند و در حقیقت چه بسیار از عناصر مؤمن و مخلص و فداکار بودند که حاضر بودند در خدمت انقلاب و در خدمت اهداف امام قرار بگیرند.» (ستوده، ۱۳۷۳: ۲۰۱)

از شهید علی صیاد شیرازی که یکی دیگر از یاران و فرماندهان دوران رهبری و مدیریت امام (ره) بود، نقل شده که روز برای گزارش جریان کاری خدمت امام بودیم و هرکدام از فرماندهان سعی داشتند به‌نوعی تنگناها و کمبودها را پیش بکشند، حضرت امام ناگهان همه حرف‌ها را قطع کردند و گفتند: «یادتان نرود هر چه که ندارید یا آن‌ها دارند، شما آدم دارید روی آدم‌هایتان حساب کنید.» (همان: ۳۱۱ و ۳۱۲)

از این بیان به‌خوبی روشن می‌شود که اولاً ایشان در روش مدیریتی خود تکیه بر مردم می‌کردند و به منابع انسانی توجه ویژه و جدی داشته‌اند و ثانیاً با اعلان اهمیت این سرمایه عظیم در مدیریت جامعه و سازمان، بهره‌گیری از آن و اهتمام قائل شدن



به آن و تکیه بر آن بیش از هر منبع دیگر را در مدیریت و رهبری به پیروان خود گوش زد می نمودند.

۲- موردپسند مردم بودن: امام خمینی (ره) موردقبول مردم بودن زمامدار را شرط دیگر برای حاکم جامعه اسلامی می داند و معتقد است ضمن اینکه حاکم معتقد به اسلام و پایبند به اجرای آن است، لازم است که موردقبول مردم باشد. ایشان در این زمینه می فرماید: «آنچه مهم است باید رئیس حکومت و همه‌ی آن‌ها که زمام امور را در دست دارند موردقبول ملت باشند و عمیقاً معتقد به اسلام و متعهد به اجرای آن.» (امام خمینی، ۱۳۸۹ الف، ج ۵: ۳۸۲)

ه) ویژگی‌های اخلاقی

۱- تقوی: از نظر امام (ره)، تقوی نیز از عوامل کنترل‌کننده است که می تواند نظارت الهی را بر انسان حاکم کند که در نتیجه، نظارت آدمی، بر خویش بیشتر شده و خودکنترلی به وجود می آید. با توجه به این نگرش، امام خمینی (ره) با ضروری دانستن تقوی برای همه، آن را برای مسئولان و مدیران کشور لازم تر دانسته می فرماید: «تقوی برای همه لازم است و برای کسانی که متصدی امور کشور هستند، لازم تر است.» (امام خمینی، ۱۳۸۹ الف، ج ۱۷: ۶۸)

۲- تزکیه: امام خمینی (ره) علاوه بر ایمان و تقوی، تزکیه را نیز برای هر مدیر و رهبر مسلمان لازم و

ضروری می داند. ایشان با استناد به آیات الهی، تزکیه را عامل طاغوت زدایی دانسته و در راستای این هدف تعلیم کتاب و حکمت را توصیه قرآن می داند.

امام (ره) با توجه به آیات سوره علق که می فرماید: «ان الانسان لیطغی، ان راه استغنی» (علق/۶ و ۷) (انسان طغیانگر است به محض اینکه خود را بی نیاز می بیند). راه خلاصی از طغیان علمی، مالی و مقامی را در هر فرد، تهذیب نفس می داند و می فرماید: «وضع روحی انسان‌ها این گونه است تا یک استغنایی پیدا می کنند، طغیان می نمایند؛ استغنای مالی، استغنای علمی، استغنای مقامی، به هر مقداری از بی نیازی که می رسند، به همان اندازه طغیان می کنند. فرعون را هم که قرآن «طاغی» نامید به خاطر همین امر بود. فرعون که طغیان کرد و «انار بکم الاعلی» گفت، به خاطر انگیزه غیر الهی بود.» (امام خمینی، ۱۳۸۹ الف، ج ۱۴: ۲۵۵)



ایشان با اشاره به پیامدهای تزکیه نشدن انسان‌ها می‌فرماید: همه اختلافاتی که در بشر هست برای این است که تزکیه نشده است؛ غایت بعثت این است که تزکیه کند مردم را تا به واسطه تزکیه، هم تعلّم حکمت کند و هم تعلم قرآن و کتاب و اگر چنانکه تزکیه بشوند طغیان پیش نمی‌آید، کسی که تزکیه کرد خود را هیچ‌گاه خودش را مستغنی نمی‌دانند... همه ما مکلفیم به اینکه تزکیه بشویم، بعثت برای تزکیه آمده است اگر تزکیه نباشد هر چه در نفس واقع بشود هر چیزی که در نفس بیاید حجاب انسان است. این تزکیه برای دولت‌مردان و رده‌های بالا اعم از رهبران، مدیران عالی اجرایی ... لازم است. ... آن‌ها اگر تزکیه نشوند، خودخواهی‌ها را کنار نگذارند، یک کشور را بلکه کشورها را ممکن است به فساد بکشد. (امام خمینی، ۱۳۸۹ الف، ج ۱۴: ۲۵۲ و ۲۵۶)

۳- ساده زیستی: یکی از صفاتی که در نگرش امام خمینی (ره) برای مدیران و رهبران، شایستگی می‌آورد و بر مدیران لازم است که متصف به این صفات شوند، ساده زیستی آن‌ها است. ایشان با تأکید بر ساده زیستی مدیران و حاکمان اسلامی، شیوه زندگی رسول گرامی اسلام (ص) و حضرت علی (ع) را برای آن‌ها سرمشق خوبی دانسته و می‌فرماید: «پیغمبر اکرم که رئیس اسلام است، امیرالمؤمنین که بعد از او رئیس اسلام بود، شما خود آن‌ها را ببینید که وضعشان چه جوری بوده است...؛ پیغمبری که با مردم همان‌طور می‌نشست و باهم همان‌طور جلسه می‌کردند و همان‌طور جلسه‌شان جلسه بنده‌ها و فقرا بود و زندگی‌اش زندگی فقرا بود و بیت‌المال، مال مردم بود و هیچ تصرفی نمی‌کرد مثل یکی از فقرا زندگی می‌کرد...؛ شما در حکومت‌های دنیا یک همچنین حاکمی پیدا کنید ما یک همچنین حاکم، دنبال یک همچنین حاکم می‌گردیم البته نمی‌توانیم پیدا کنیم این جور، اما دنبال این می‌گردیم که لااقل به بعضی احکام این‌ها خوب عمل بکند، خیانت نکند به این ملت، نخورد مال این ملت را، بر ندارد مال این ملت را ببرد به آمریکا و به سایر ممالک و ویلا برای خودش و بچه‌هایش و طایفه‌اش درست بکند.» (امام خمینی، ۱۳۸۵، ج ۳: ۶۸ و ۶۹)

بنابراین، از دیدگاه امام (ره) افرادی شایسته مدیریت بر جامعه اسلامی است که مانند پیامبر گرامی اسلام (ص) و حضرت علی (ع) ساده‌زیست و بدون تشریفات باشند و آن‌ها را الگو خویش قرار دهند. این چنین مدیران در بین مردم و زیردستان می‌توانند



محبوبیت پیدا نمایند. اگر مردم احساس نمایند که مدیر و رهبر آن‌ها زندگی در سطح زندگی آن‌ها یا پایین‌تر از آن‌ها دارد، شیفته او شده و برای او و سازمانش دلسوزانه فعالیت خواهند نمود و این خود به اثربخشی و کارایی سازمان مزبور خواهد انجامید. امام (ره) در مورد زندگی حضرت امیر (ع) به‌عنوان الگو مدیران جامعه اسلامی می‌فرماید: «جشن برای آنی بگیرند که وقتی که احتمال این را می‌دهد که در آخر مملکت یک گرسنه‌ای باشد، به خودش گرسنگی می‌دهد کسی که کنار مسجد، دارالاماره‌اش و دکه‌ی القضاء او، همین مسجد کوفه، یک گوشه‌ای از مسجد کوفه، دکه‌ی القضاء او در آن هست و روی زمین می‌نشیند و «یأکل کما یأکل العبید و یمشی کما یمشی العبید» وقتی هم پیراهن گیرش می‌آید، پیراهن نو را به قنبر می‌دهد پیراهن کهنه را خودش برمی‌دارد و آستینش هم که بلند است پاره می‌کند همان‌طور می‌پوشد و می‌رود خطبه می‌خواند یک مملکتی هم دارد که ده مقابل مملکت ایران است.» (امام خمینی، ۱۳۸۹ الف، ج ۱: ۱۶۹) چنین افرادی، مدیران شایسته و اثربخش در جهان امروز و جوامع اسلامی خواهند بود. بنابراین، مدیرانی که گرفتار تشریفات و زندگی اشراف‌گرایانه می‌شوند، مردم از آن‌ها فاصله خواهند گرفت. به همین جهت است که امام ره ضمن توصیه به ساده‌زیستی، به مدیران هشدار داده و می‌فرماید: «اگر روزی از نظر زندگی از مردم عادی بالاتر رفتید، بدانید که دیر یا زود مطرود می‌شوید.» (امام خمینی، ۱۳۸۹ الف، ج ۱۷: ۲۶۲)

۴- اعتماد به نفس: یکی از ویژگی‌ها که برای مدیر شایستگی می‌آورد، اعتماد به نفس و خوداتکایی است. با اعتماد به نفس و باور به خود است که یک فرد می‌تواند در انجام یک کار موفق شود. امام خمینی (ره) همواره برای تقویت روحیه نیروهای دست‌اندرکار در مجموعه‌های مختلف اداری کشور، بر اعتماد به نفس نیروها و خوداتکایی آن‌ها تأکید می‌کردند و می‌فرمودند که «ما می‌توانیم». ایشان پس از اتکال به خداوند، تکیه کردن بر خود را مورد تأکید قرار می‌دادند و می‌فرمودند: «عمده این است که شما دو جهت را در نظر بگیرید که من کراراً عرض کردم، یکی اعتماد به خدای تبارک و تعالی که وقتی که برای او بخواهید کار بکنید به شما کمک می‌کند، راه را برای شما باز می‌کند، در هر رشته که هستید راه‌های هدایت را به شما الهام می‌کند و یکی اتکال به نفس، اعتماد به خودتان. شما خودتان جوان‌های هستید



که می‌توانید همه کارها را انجام بدهید مخترعین ما می‌توانند در سطح بالا اختراع بکنند، مبتکرین ما می‌توانند در سطح بالا ابتکار کنند به شرط اینکه اعتماد به نفس خودشان داشته باشند و معتقد بشوند به اینکه می‌توانیم.» (امام خمینی، ۱۳۸۹ الف، ج ۱۸: ۱۴۶) ایشان در مورد جمله «ما می‌توانیم»، فرمودند: «در رژیم سابق "می‌توانیم" را در بین همه قشرها شایع کردند. به همه گفتند ما نمی‌توانیم و باید تواناها بیایند و به ما تعلیم بدهند، آن‌ها هم که می‌آمدند تعلیم نمی‌دادند، شماها را وابسته می‌کردند.» (امام خمینی، ۱۳۸۹ الف، ج ۱۸: ۱۴۶) پس اگر رهبران و مدیران مؤمن و متخصص جامعه و سازمان‌ها بر این باور باشند که «می‌توانند»، قادر خواهند بود که خویش را دریابند و شایستگی این را پیدا کنند که بتوانند به صورت مطلوب جامعه را اداره کنند؛ بنابراین، خوداتکایی، ویژگی مهم و ضروری در جهت کسب شایستگی برای مدیریت جامعه است.

اینکه مدیران چگونه می‌توانند به این صفت شایسته اعتماد به نفس و خودباوری آراسته شوند، نکات جالبی در گفتار و بیانات امام (ره) که در موارد و مناسبت‌های مختلف ایراد گردیده، وجود دارد که با توجه به آن می‌توان به این سؤال پاسخ داد. به بیان دیگر، در دیدگاه نظری و سیره عملی امام خمینی (ره) به تحقق اندیشه‌های سترگ، روحیه بخشی به نیروی انسانی و پرورش خوداتکایی در بین آن‌ها از اهمیت زیادی برخوردار است و در راستای رسیدن به هدف خوداتکایی از منظر ایشان روش‌های متعددی توصیه شده است که می‌توان از لابه‌لای بیانات ایشان استفاده کرد:

۱-۴- خودیابی و خوداتکایی: یک مدیر باید به توانایی‌های خودباور داشته باشد به غنی فرهنگ خودباور داشته باشد به کمال و مبانی و اصول دینی خود معتقد باشد تا شایستگی مدیریت و رهبری بر جامعه اسلامی و سازمان اسلامی را کسب نماید؛ بنابراین یکی از عوامل مهم خوداتکایی و اعتماد به نفس، احساس نوعی غنی همه‌جانبه است. امام (ره) بر این باور بوده که ما باید این‌گونه به خود بیاییم که چیزی از دیگران کم نداریم تا بتوانیم جامعه اسلامی خود را آن‌طور که شایسته است اداره نماییم. لذا فرمود: «ما باید این را بفهمیم که همه چیز هستیم و از هیچ کس کم نداریم، ما که خودمان را کم کرده بودیم باید این خود کم کرده را پیدا کنیم و این فکر



که بر ما تحمیل شده بود که "اگر دست خارج کوتاه شود می‌میریم" را به تمام قدرت از بین ببریم» (امام خمینی، ۱۳۸۹ الف، ج ۱۵: ۱۹۲)

۲-۴- قوت نفس و خوداتکایی: یکی از عوامل مهم برای کسب خوداتکایی و اعتماد به نفس، داشتن قوت نفس و روحیه بالاست. باید کاری کرد که سستی و رخوت از نیروی انسانی خدمت‌گزار در جامعه زدوده شود و اعضای سازمان به اراده قوی دست یابند. با توجه به این امر، یکی از نکاتی که امام (ره) بر آن تأکید داشت، قوت نفس در کارها بود. ایشان بارد تشریفات شستن سازمان‌های اسلامی می‌فرماید: «این‌ها باید اصلاح بشود و شماها، من می‌دانم شما مسلمانید من همه افراد این‌ها را، بعضی‌شان را می‌شناسم، بعضی‌شان را هم معرفی کرده‌اند به من، این‌ها همه متعهد و مسلمان‌اند، لکن ضعیف‌النفس‌اند، می‌ترسند که مبدا یک‌وقتی مهمانی از اجانب بیاید در کاخ دادگستری یا در کاخ نخست‌وزیری و اینجا ببیند که یک چیز محقری است، باید حتماً به فرم غرب باشد.» (امام خمینی، ۱۳۸۹ الف، ج ۵: ۱۵۰) سپس خطاب به برخی رهبران و مدیران سازمان‌ها اعلام می‌دارند که: «ضعیفید آقا، ضعیفید! زیر بار اقویا هستید آن‌وقتی که نفس شما قوی شد و اعتنا نکردید، اعتنا به این ذخاریف نکردید، آن‌وقت است که از شما حساب می‌برند.» (همان)

این بیان، گویای آن است که اگر انسان توانست از این دام‌ها رها شود آنگاه قوت نفس پیدا می‌کند و می‌تواند امیدوار باشد که به خوداتکایی خواهد رسید و شایستگی مدیریت بر جامعه اسلامی و سازمان اسلامی را پیدا خواهد کرد و آن جامعه و سازمان می‌شود جامعه و سازمان شایسته‌سالار.

۳-۴- اعتماد به خدا و اعتماد به نفس: یکی از مسائلی که در کارهای روزانه هر مدیر و رهبر می‌تواند اثرگذار باشد، اتکا به خداوند متعال است. در نگرش امام خمینی (ره) نیز اتکا به خدا موجب اتکا و اعتماد به نفس شده و به همین دلیل، ایشان مدیران جامعه اسلامی را به آن ترغیب نموده و می‌فرمایند: «مسئله‌ای که می‌خواهم اکیداً به شما تذکر دهم این است که به این معنا که "نمی‌شود با قدرت‌های بزرگ طرف شد" را از گوش‌هایتان بیرون کنید، شما بخواهید می‌توانید؛ زیرا پشتیبان شما خدا است.» (امام خمینی، ۱۳۸۹ الف، ج ۱۵: ۲۰۹ و ۲۱۰) ایشان بارد اتکا به ابرقدرت‌ها، می‌فرماید: «این زمزمه‌های را که ابرقدرت‌ها به وسیله ایادی‌شان کرده‌اند که تا متکی

به یکی از دو قدرت {آمریکا و شوروی سابق} نشوید نمی‌توانید به زندگی خود ادامه دهید، صد درصد غلط است؛ به روی پای خود بایستید و محکم و استوار با خدا باشید و سعی کنید تا قبل از هر پیشرفتی، در انسانیت پیشرفت کنید؛ در این صورت خداوند ما را یاری خواهد کرد.» (همان: ۲۱۰) بنابراین، از دیدگاه امام ره، مدیران و رهبرانی شایستگی رهبری و مدیریت بر جامعه اسلامی را دارند که در مقابل قدرت‌های بیگانه استقلال طلب بوده و بر ضد وابستگی به بیگانگان، مبارزه نمایند و فقط با اتکا به خداوند توانا برنامه‌های مدیریتی‌شان را به پیش ببرند.

۵- صبر و استقامت: یکی از ویژگی‌های مدیران شایسته و لایق بخصوص مدیران جامعه اسلامی، صبر و استقامت در برابر مشکلات و سختی کارهاست. بدهی است که همین ویژگی در آن‌ها عامل پیروزی و وصول به اهداف سازمانی و مدیریتی خواهد بود. یکی از نمونه‌های بارز و کامل این دسته از مدیران و رهبران، خود امام خمینی (ره) است. ایشان یکی از مصادیق رهبری الهی بود که در راستای دستیابی به اهداف الهی، در طول مبارزات انقلابی‌اش، سالیان متمادی صبر و استقامت از خود نشان داد تا سرانجام در بهمن سال ۱۳۵۷ ش، انقلاب بزرگی را به پیروزی رساند و نه تنها ملت ایران را بلکه جهان را به‌ویژه جهان اسلام را از ثمره آن بهره‌مند ساخت. از نظر این مرد بزرگ، عامل مهمی که موجب استمرار و استقرار و پیروزی این انقلاب و نظام اسلامی شد، صبر و استقامت و روحیه قوی بود. ایشان در این زمینه می‌فرماید: «پشت سر هر انقلابی، مشکلات زیاد هست، لکن آن‌هایی که اعتقاد به این انقلاب دارند، ایمان به این نهضت دارند این روحیه قوی‌ای که با آن روحیه قوی و آن ایمان راسخ و آن توجه به خدای تبارک‌وتعالی شمارا پیش برد، مادامی‌که این روحیه محفوظ باشد، شما پیش می‌روید.» (امام خمینی، ۱۳۸۹ الف، ج ۸: ۸۹). امام (ره) با تأکید بر اینکه هر کاری مشکلاتی دارد و در برابر مشکلات باید استقامت کرد تا به موفقیت نائل شد، به این نکته نیز اشاره می‌فرماید که حفظ ارزش‌ها در جامعه نیاز به زحمت دارد و می‌فرماید: «اگر {خواهید ارزش انسانی خودتان را حفظ کنید زحمت دارد، نمی‌شود که انسان در خانه‌اش بنشیند و ارزش‌های انسانی‌اش محفوظ باشد.» (امام خمینی، ۱۳۸۹ الف، ج ۱۸: ۲۱۶). ایشان با استناد به آیات قرآنی، استقامت را موجب تداوم انقلاب دانسته و می‌فرماید: «جمله "استقم کما امرت" در



دو جای قرآن است؛ یکجا در سوره شوری، یکجا هم در سوره هود؛ لکن پیغمبر اکرم (ص) می‌فرماید: «شیبنتی سوره هود لمکان این آیه»؛ چرا سوره هود را گفت؟ برای اینکه سوره هود یک ذیلی دارد و آن این است که "فاستقم كما امرت و من تاب معك" استقامت، خواسته است که ملت‌ها مستقیم باشند. (امام خمینی، ۱۳۸۹ الف، ج ۱۷: ۲۵)

از تحلیل امام (ره) در رابطه به این آیه استفاده می‌شود که از نظر ایشان، برای دستیابی به هدف، صبر و استقامت لازم است. چنانچه خود حضرت امام (ره) و یاران او و هواداران انقلابی‌اش، با صبر و استقامت و پایداری در مقابل مشکلات عدیده ایستادگی کردند تا که به هدف رسیدند و انقلاب را به پیروزی رساندند؛ بنابراین، مدیر و رهبری که صبور و با استقامت نیست، شایستگی مدیریت بر جامعه اسلامی را ندارد و جامعه‌ای که مدیریت چنین مدیری را پذیرفته باشد، جامعه شایسته‌سالار نخواهد بود.

۶- تکلیف گرایی: تکلف، عمل به قوانینی است که دین در اختیار آدمی قرار می‌دهد؛ به سخن دیگر، اسلام قوانینی دارد که انسان‌های معتقد به آن را مکلف به انجام آن می‌نماید. شناخت تکلیف برای رهبران و مدیران جامعه اسلامی و نیز برای پیروان آن‌ها اهمیت فوق‌العاده دارد، به‌گونه‌ای که علاوه بر شناخت و عمل به تکلیف فعلی، موظف به پیش‌بینی تکالیف آینده نیز هستند. یکی از ویژگی‌های مدیریتی امام (ره) این بوده که انجام تمام وظایف مدیریت و رهبری را به‌عنوان انجام‌وظیفه شرعی تلقی می‌نموده و آنچه را تشخیص می‌دادند که تکلیف و وظیفه است عمل می‌نمودند. حضرت آیت‌الله خامنه‌ای (مدظله‌العالی) در این زمینه می‌فرماید: از نظر امام، پیروزی به معنای انجام تکلیف و وظیفه بود باروحیه، با این احساس و با این انگیزه مبارزه را ادامه دادند و پیش بردند. (ستوده، ۱۳۷۳، ج ۲: ۲۰۲) خود امام در این زمینه می‌فرماید: «همه این کارها را کردیم، اما تکلیف بوده است که کردیم. رسیدیم به مقصد الحمدلله، نرسیدیم به مقصد، تکلیفمان را ادا کردیم» (امام خمینی، ۱۳۸۵، ج ۵: ۲۵). این نشانگر این است که امام (ره) تکلیف‌گرا بوده و به تکالیف الهی اعم از فردی و اجتماعی اهتمام ویژه قائل بوده است. ایشان علاوه بر تکالیف اجتماعی و سیاسی، به تکالیف فردی هم اهتمام زیاد قائل بوده و هم به دیگران تذکر می‌داده‌اند.

ایشان در این زمینه می‌فرماید: «آقایان همان‌طوری که در این جهت اقدامات می‌کنند و فعالیت‌ها می‌کنند، راجع به آن تکالیف شخصیه خودشان راجع به تکالیفی که خدای تبارک و تعالی از افراد خواسته است که همه این‌ها به نفع خود انسان است، راجع به این هم باید خیلی کوشش داشته باشند و خودشان را به واسطه همین امور بسازند.» (امام خمینی، ۱۳۸۵، ج ۵: ۱۱۱)

بنابراین یکی از ویژگی‌های که به مدیر و رهبر، شایستگی مدیریت و رهبری جامعه اسلامی را می‌دهد، تکلیف‌گرا بودن است.

۷- امانت‌داری: از نظر امام خمینی (ره) یکی از شروط لازم برای یک مدیر و رهبر، امانت‌داری است و اینکه وی باید امین باشد. اهمیت این موضوع برای ایشان به حدی است که معتقد است حتی اگر در یک گروه افرادی غیر امین و خائن باشد، چه بسا تمام گروه را فاسد و بدنام می‌کند، بنابراین، یکی از ویژگی‌های لازم امانت‌داری در امور است. (امام خمینی، ۱۳۸۹ الف، ج ۱۷: ۲۳۸) در جای دیگر راجع به این موضوع می‌فرماید: «ما می‌گوییم یک حاکمی باید باشد که به بیت‌المال مسلمین خیانت نکند، دستش را دراز نکند بیت‌المال مسلمین را بردارد.» (امام خمینی، ۱۳۸۹ الف، ج ۳: ۵۰۹)

۸- عدم دنیاطلبی و امتیازخواهی: امام خمینی (ره) شرط لازم دیگر را برای حاکم اسلامی، پرهیز از دنیاطلبی می‌داند، زیرا به نظر وی کسی که حریص به دنیا باشد، هرچند هم از راه حلال به این امر اقدام کند شایسته‌ی اعتماد نیست. ایشان در این باره می‌فرماید: «آن آدمی که می‌خواهد چنین منصب مهمی را به عهده بگیرد و ولی امر مسلمین و نایب امیرالمؤمنین باشد و در اعراض، اموال و نفوس مردم، مغانم، حدود و امثال آن دخالت کند، باید منزّه بوده دنیاطلب نباشد. آن کسی که برای دنیا دست‌وپا می‌کند، هرچند در امر مباح باشد، امین‌الله نیست و نمی‌توان به او اطمینان کرد. آن فقیه‌ی که وارد دستگاه ظلمه می‌گردد و از حاشیه‌نشینان دربارها می‌شود و اوامرشان را اطاعت می‌کند، امین نیست و نمی‌تواند امانت‌دار الهی باشد.» (امام خمینی، ۱۳۸۹ ب: ۱۴۶)

۹- تواضع و فروتنی: از جمله شرایطی که امام خمینی (ره) بر آن تأکید دارد که وجود آن در زمامدار جامعه اسلامی ضروری است، چنانچه در تمام انبیاء و اولیاء الهی



وجود داشته، تواضع و فروتنی است؛ به‌گونه‌ای که تواضع باعث شود که روحشان تحت تأثیر مقام و قدرتی که در دنیا در رأس آن بوده، قرار نگیرد. ایشان با اشاره به این‌گونه افراد می‌فرماید: «آن‌ها لایق زمامداری‌اند. اسلام آن‌ها را زمامدار کرده است. وقتی هم که دست به دامن آن‌ها نمی‌رسد، باید آن اشخاصی که نزدیک به آن‌ها هستند از سایر افراد، آن افرادی که بهتر می‌توانند هضم کند قدرت‌ها را. کمتر قدرت مآبی در آن‌ها تأثیر بکند، آن‌ها باید زمامدار باشند.» (امام خمینی، ۱۳۸۹ الف، ج ۱۱: ۲۶۸)

مدیریت و رهبری مبتنی بر شایسته‌سالاری از دیدگاه امام خمینی (ع)

۱۰- پرهیز از معصیت: امام خمینی (ره) ویژگی دیگری را که در زمامدار جامعه اسلامی لازم می‌داند، این است که حاکم معصیت‌کار نباشد و در این باره می‌فرماید: «زمامدار بایستی از کمال اعتقادی و اخلاقی برخوردار و عادل باشد؛ و دامنش به معاصی آلوده نباشد. کسی که می‌خواهد حدود جاری کند یعنی قانون جزای اسلام را به مورد اجرا بگذارد، متصدی بیت‌المال و خرج و دخل مملکت شود و خداوند اختیار اداره بندگانش را به او بدهد، باید معصیت‌کار نباشد.» (امام خمینی، ۱۳۸۹ ب: ۲۳۳)

۱۱- امر به معروف و نهی از منکر: از دیدگاه امام خمینی (ره) یکی دیگر از تکالیف مدیر و رهبر شایسته این است که در قبال رفتار مردم و افراد جامعه خود بی‌تفاوت نباشد و در صورت ارتکاب اعمال خلاف شرع و قانون الهی، امر به معروف و نهی از منکر نماید. ایشان در این زمینه می‌فرماید: «امر به معروف و نهی از منکر بر همه ملت واجب است. اگر یک خلاف یکی کرد باید نهی‌اش بکنید، باید بازدارید او را از این کار.» (امام خمینی، ۱۳۸۵، ج ۱۳: ۱۸۲)

۱۲- جهاد با نفس و اصلاح خود و خودسازی: از دیدگاه امام خمینی (ره) یکی از تکالیف مهم رهبر و مدیر شایسته، آن است که برای رشد و اصلاح خود تلاش کرده و با هوای نفس مبارزه نماید. اگر مدیر و رهبر موفق به اصلاح خود نشود، نمی‌تواند افراد جامعه و پیروان خود را اصلاح نماید. ایشان می‌فرماید: «هرکس موظف است که خودش را اصلاح کند، قبل از اینکه دیگران را اصلاح بکند. همه موظفیم که خودمان را اصلاح کنیم.» (امام خمینی، ۱۳۸۵، ج ۸: ۲۸۹)

۱۳- حفظ آبروی مسلمان: از نظر امام خمینی (ره) حفظ آبرو و قدر و جایگاه افراد بالاترین درجه اهمیت را دارد. ایشان می‌فرماید: «و حیثیت و آبروی مؤمن در اسلام



از بالاترین و والاترین مقام برخوردار است، هتک مؤمن چه رسد به مؤمن عالم از بزرگ‌ترین گناهان است و موجب سلب عدالت است.» (امام خمینی، ۱۳۸۵، ج ۱۷: ۱۳۴)

۱۴- انجام وظیفه الهی: از دیدگاه امام خمینی (ره)، یک فرد و یک مدیر شایسته، پس از شناخت تکلیف، به آنچه خداوند برای او تعیین کرده و وظیفه او است پایبند بوده و وظایف الهی‌اش را به‌خوبی انجام دهد. ایشان می‌فرماید: «باید به‌حکم خدا عمل کنیم و به این هم کاری نداشته باشیم که چه کسی از این کاری که برای خدا خوشش می‌آید و یا چه کسی بدش می‌آید.» (امام خمینی، ۱۳۸۵، ج ۱۷: ۴۴۱)

۱۵- وظیفه‌شناسی: از دیدگاه امام خمینی (ره)، هر فرد، در هر جایگاهی از مدیریت که قرار گیرد، باید وظایف و تکالیف خود را به‌خوبی بشناسد و به بهترین شکل به آنچه صرفاً و شرعاً بر عهده او است، عمل کند. ایشان می‌فرماید: «کشور مترقی این است که افرادش مترقی باشند، فرد مترقی آن است که وظیفه‌شناس باشد، وظایف اداری‌اش، وظایف الهی‌اش. اگر انسان وظیفه‌شناس شد، یک انسان مترقی است.» (امام خمینی، ۱۳۸۵، ج ۹: ۱۷)

۱۶- عدالت: از دیدگاه امام خمینی (ره) مدیر و زمامدار جامعه ضرورتاً باید عادل باشد. ایشان در این زمینه می‌فرماید: «در دین اسلام که خدا، پیغمبر و امامان معصومش همه عادل‌اند و اعتبار قاضی آن‌هم در عدالت است، فقیهش هم معتبر است که عادل باشد؛ زمامدار حکومت اسلامی و والیان او باید عادل باشند و اگر غیر این باشد و عدالت در بین زمامداران نباشد، مفساد از بین نمی‌رود و همچنان باقی است.» (امام خمینی، ۱۳۸۹، الف، ج ۳: ۳۰۴)

ایشان در جای دیگر در مورد ضرورت عدالت برای زمامدار جامعه اسلامی می‌فرماید: «زمامدار باید از کمال اعتقادی و اخلاقی برخوردار و عادل باشد... زمامدار اگر عادل نباشد، دردادن حقوق مسلمین، اخذ مالیات‌ها و صرف صحیح آن و اجرای قانون جزا، عادلانه رفتار نخواهد کرد؛ و ممکن است اعوان و انصار و نزدیکان خود را بر جامعه تحمیل نماید و بیت‌المال مسلمین را صرف اغراض شخصی و هوسرانی‌های خویش کند.» (امام خمینی، ۱۳۸۹، ب: ۴۹) از نظر امام (ره) اهمیت شرط عدالت از آن جهت است که عدالت برای فرد بهترین ناظر و مراقب و ضامن درونی است که



مانع از فساد حاکم اسلامی می‌گردد. به طوری که اگر حاکم اسلامی «یک‌پایش را کنار یک‌قدم غلط بگذارد، اگر یک کلمه دروغ بگوید، یک کلمه، یک‌قدم برخلاف بگذارد آن ولایت را دیگر ندارد.» (امام خمینی، ۱۳۸۹ الف، ج ۱۱: ۴۶۴)

با این تحلیل و بررسی، درنهایت، تحقیق، به مدل مفهومی زیر در این بحث، دست‌یافت‌هاست.

مدیریت و رهبری مبتنی بر شایسته‌سالاری از دیدگاه امام خمینی (ع)

ویژگی‌های مدیر و رهبر شایسته در جامعه اسلامی				
اعتقادی	علمی-تخصصی	سیاسی	اجتماعی	اخلاقی
۱-ایمان الف) ایمان به خدا ب) ایمان به آخرت ج) ایمان به نبوت	۱-علم به قانون الهی ۲- تخصص در حرفه و شغل و وظایف مدیریتی.	۱-کفایت و صلاحیت ۲-بصیرت و آگاهی سیاسی-اجتماعی ۳-توان شناخت دوست و دشمن ۴ ساده لوح نبودن ۵- زمان شناس بودن.	۱- مردم‌گرایی و تکیه بر نیروی انسانی ۲- مردم‌پسند بودن	۱-تقوی ۲-تزکیه ۳-ساده زیستی ۴- اعتمادبه‌نفس ۵-صبر و استقامت ۶-تکلیف‌گرایی ۷-امانت‌داری ۸-عدم دنیاطلبی ۹-تواضع و فروتنی



۱۰-پرهیز از معصیت و ...				
		مدیریت و رهبری شایسته و جامعه اسلامی شایسته سالار		
		مدل مفهومی تحقیق (محقق ساخته)		

فرایند طراحی مدل مفهومی تحقیق

در طراحی مدل مفهومی فوق، مراحل ذیل طی شده است:

۱. مطالعه متن صحیفه امام (۲۲ جلدی) و برخی آثار دیگر امام خمینی (ره) و استخراج ویژگی‌ها و شاخص‌های مرتبط با موضوع پژوهش.
۲. استخراج و انتزاع عناوین اصلی تحت عنوان ویژگی‌های اصلی؛
۳. طبقه‌بندی ویژگی‌های فرعی استخراج‌شده از منابع مربوطه به‌عنوان شاخص‌های هر یک از عناوین اصلی و تعیین زیرمجموعه‌هایی برای هریک از عناوین اصلی.
۴. طراحی مدل پژوهش بر مبنای طی مراحل فوق.

بحث و نتیجه‌گیری

از تفکر در اندیشه سیاسی - اجتماعی اسلام و نیز از جستجو در آموزه‌های تعالی‌بخش آن، به دست می‌آید که رعایت اهلیت در انتخاب افراد و واگذاری کارها، از مهم‌ترین مسائل در مدیریت و رهبری جامعه اسلامی است؛ یعنی کسی که قرار است مسئولیت کاری را عهده‌دار شود، باید شایستگی‌های لازم را برای آن مسئولیت دارا باشد. با توجه به اینکه رعایت اهلیت در مدیریت و واگذاری مسئولیت‌ها از نظر عقلی امر لازم است، سنت الهی نیز بر این بوده است که به هیچ‌کس جز بر اساس شایستگی مسئولیتی را واگذار نکند. چنانچه در واگذاری مسئولیت‌های الهی به انبیاء و اولیاء الهی این امر مشهود است؛ آیه ۱۲۴ سوره بقره که بیانگر واگذاری منصب امام امت به حضرت ابراهیم (ع) است، به‌خوبی گویایی این مطلب است. این بدان جهت است که در منطق قرآن، منصب‌ها و مسئولیت‌ها، چه کوچک و چه بزرگ، امانت‌های



به شمار می‌رود که باید به اهلش سپرده شود. چنانچه قرآن می‌فرماید: «ان الله يأمرکم أن تؤدّوا الامانات الی اهلها...» نساء/۵۸؛ به همین جهت، دین اسلام ویژگی‌ها و شرایط مهمی را برای تصدی جایگاه رهبری و مدیریت جامعه اسلامی در نظر گرفته است که به‌عنوان نمونه داشتن ویژگی‌های مانند؛ ایمان و تقوی که این معیار شایستگی از فراز آخر آیه ۱۲۴ سوره بقره: «لاینال عهدی الظالمین» که خداوند در پاسخ حضرت ابراهیم بیان فرمود استفاده می‌شود. دانش و توانایی: که از آیه ۲۴۷ سوره بقره در داستان برگزیدن طالوت برای فرماندهی بنی‌اسرائیل که فرمود؛ «ان الله الصطفیه علیکم و زاده بسطه فی العلم و الجسم» استفاده می‌شود. یا تسلط بر دانش دین؛ که از فرازهای از بیانات امام علی (ع) در نهج‌البلاغه به دست می‌آید که در ارتباط با مشاغل تجارت فرمود: «یا معشر التجار الفقه ثم المتجر»، از جمله این ویژگی‌هاست. از دیدگاه امام خمینی (ره) که خود ریشه در همین اندیشه دینی دارد، بر اساس آثار مکتوب بجای مانده از ایشان و گفتار و سیره عملی نقل‌شده از ایشان، جامعه شایسته‌سالار به جامعه گفته می‌شود که مدیر و رهبر آن جامعه دارای حداقل پنج ویژگی اصلی به شرح زیر باشد؛ ۱- ویژگی‌های اعتقادی که شامل ایمان به خداوند، ایمان به معاد و ایمان نبوت و ارزش‌های دینی می‌شود. ۲- ویژگی‌های علمی-تخصصی که شامل؛ علم به قانون و تخصص مدیریتی می‌شود. ۳- ویژگی‌های سیاسی که شامل؛ داشتن بینش آگاهی سیاسی-اجتماعی، کفایت و صلاحیت، بصیرت و آگاهی سیاسی-اجتماعی، توان دوست‌شناسی و دشمن‌شناسی، ساده‌لوح نبودن، زمان‌شناسی، ظلم‌ستیزی، حفظ نظام اسلامی، حفظ وحدت. ۴- ویژگی‌های اجتماعی که شامل؛ مردم‌گرایی و تکیه بر منابع انسانی، موردپسند مردم بودن. ۵- ویژگی‌های اخلاقی که شامل؛ تقوی، تزکیه، ساده زیستی، اعتمادبه‌نفس، صبر و استقامت، تکلیف‌گرایی، امانت‌داری، عدم دنیاطلبی و عدم امتیازخواهی، تواضع و فروتنی، پرهیز از معصیت، امربه‌معروف و نهی از منکر، جهاد با نفس و خودسازی، حفظ آبروی مسلمان، انجام‌وظیفه الهی، وظیفه‌شناسی و عدالت، می‌شود. بر اساس این بیان، جامعه شایسته‌سالار، جامعه‌ای است که چنین افراد شایسته در رأس اداره امور آن قرار داشته باشد.

فهرست منابع

قرآن

نهج البلاغه

۱. ابطحی، سید حسین و عبد صبور، فریدون (۱۳۸۹)، شایسته‌سالاری، تهران، آزاد مهر.
۲. اخوت، هانیه (۱۳۹۳)، بررسی روش و راهبردهای تحقیق در مطالعات میان‌رشته‌ای قرآن کریم، پژوهش‌های میان‌رشته‌ای قرآن کریم، سال پنجم، شماره اول، ص ۲۳-۳۴.
۳. الوانی، مهدی (خرداد ۱۳۷۷)، «شایسته‌سالاری»، مجله تدبیر، شماره ۸۲.
۴. امام خمینی، روح‌الله (۱۳۷۱)، شئون و اختیارات ولی‌فقیه، ترجمه‌ی مبحث ولایت‌فقیه از کتاب البیع، تهران، انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۵. امام خمینی، روح‌الله (۱۳۸۵)، صحیفه امام، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، (مجموعه ۲۲ جلدی).
۶. امام خمینی، روح‌الله (۱۳۸۹ الف)، صحیفه امام، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، (مجموعه ۲۲ جلدی).
۷. امام خمینی، روح‌الله (۱۳۸۹ ب)، ولایت‌فقیه (حکومت اسلامی)، تهران، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (س).
۸. امام خمینی، روح‌الله، کشف اسرار، قم، انتشارات آزادی، بی‌تا.
۹. بخشایشی اردستانی، احمد (۱۳۹۴)، سیر تاریخی اندیشه‌های سیاسی در غرب (از افلاطون تا نیچه)، تهران، آوای نور، چاپ هشتم.
۱۰. پولادی، کمال (۱۳۸۶)، اندیشه سیاسی در غرب (از سقراط تا ماکیاولی)، تهران، نشر مرکز.
۱۱. حکیمی، محمدرضا و حکیمی، محمد و حکیمی، علی (۱۳۸۰)، الحیاء / ترجمه احمد آرام - تهران، چاپ: اول.
۱۲. دهقانان، حامد (۱۳۸۶)، مدیریت شایستگی محور زیربنای مدیریت منابع انسانی، مجموعه مقالات دومین همایش مدیریت سرمایه‌های انسانی با رویکرد کاربردی، تهران، وزارت صنایع و معادن، مؤسسه آموزشی و پژوهشی.
۱۳. دیانتی، محمد و عرفانی، محمد (۱۳۸۸)، «شایستگی؛ مفاهیم و کاربردها»، مجله تدبیر، ش ۲۰۶.



۱۴. رحیق اعضان، علی و مارک گلی (۱۳۸۴)، دانش‌نامه در علم سیاست، تهران، انتشارات فرهنگی صبا.
۱۵. ستوده، امیررضا (۱۳۷۳)، پا به پای آفتاب: گفته‌ها و ناگفته‌ها از زندگی امام خمینی، ج ۲، تهران، پنجره.
۱۶. شریف‌الرضی، محمد بن حسین (۱۴۱۴ ق)، نهج البلاغه (للصبحی صالح) - قم، چاپ: اول.
۱۷. صلاحی، مسعود (۱۳۹۵)، رهبری در اندیشه امام خمینی و افلاطون، تهران، موسسه فرهنگی هنری و انتشارات، چاپ اول.
۱۸. عباس نژاد، محسن (۱۳۸۴)، قرآن، مدیریت و علوم سیاسی، مشهد، بنیاد پژوهش‌های قرآنی حوزه و دانشگاه.
۱۹. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷ ق)، اصول کافی، تصحیح: غفاری، علی‌اکبر و آخوندی، محمد، تهران، دارالکتب اسلامیة.
۲۰. گنجعلی، اسدالله و دشبگران (پائیز و زمستان ۱۳۹۲)، بررسی معیارهای شایسته‌سالاری در قرآن، اسلام و پژوهش‌های مدیریتی، ش ۷.
۲۱. مطلبی اصل، صمد (۱۳۸۷)، مدیریت شایستگی، ماهنامه تدبیر، شماره ۱۸۷.